

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند: " ... از برای پیشرفت امور روحانیه و فتوحات امریه اسباب مادیّه و وسائل مالیّه لازم؛ تا این اسباب میسر نگردد، پیشرفت کلی ممتنع و محال . "

عنوان: تبرعات

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله جَلَّ جَلَّاهُ
۲. مناجات دوّم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ
۳. دعای دسته جمعی " لَكَ الْحَمْدُ يَا مَقْصُودَ الْعَالَمِ وَ لَكَ الشُّكْرُ يَا مَحْبُوبَ أَفِيْدَةِ الْمُخْلِصِينَ "
۴. کلمات مبارکه مکنونه
۵. مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاهُ

قسمت اداری

۶. منتخباتی از توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله
۷. " تبرّع به صندوق های امری از عناصر و اجزاء لَا يَنْفَكُ حَيَاتِ رُوحَانِي هِر فِرْدِ بَهَائِي اسْت " .
۸. قسمتی از تألیفات جناب ادیب طاهر زاده درباره عوامل تکامل روحانی
۹. " حکایت ناخوشایند "
۱۰. " من هم می توانم در ساختمان مقام اعلی سهیم باشم " (مخصوص نونهالان عزیز)
۱۱. شعر " راهیان مهر "
۱۲. شور و مشورت

قسمت اجتماعی

۱۳. الفت و پذیرائی
۱۴. مناجات خاتمه (به انتخاب تلاوت کننده)

۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله جَلَّ جلاله

الها کریم رحیما

آیا از برای عالم سمع و بصر عطا فرمودی و یا آن که محروم داشتی . از تو سؤال می نمایم به عزت و عظمت و جود و کرم که آنچه عطا فرمودی ظاهر نمائی تا نعمت بر عالمیان هویدا گردد و اشراقات انوار تیر جود ، جمیع وجود را منور فرماید . قسم به ذات مقدّست ، اگر به دوام مُلک و ملکوت اظهار نداری ، در بخشش و عطایت از برای وجود ربیبی حاصل نه . غنا آن تو و فقراء به باب تو ؛ اگر عطا فرمائی شاکریم و اگر محروم نمائی حامد و صابریم . ای پروردگار ، از اراده ات به وجود آمدیم و به تو در یوم تو راجع گشتیم . این خادم ، سائل و آمل . عبادت را از امواج بحر عطایت منع مفرما و کل را به طراز جود و بخشش مُزین نما . اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ .

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۵۳ و ۳۵۴

۲- مناجات دوّم از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثنائهُ

هوالله

ای بی نیاز ، بندگان و کنیزان را بنواز و آرزوی جمیع را شایان و رایگان ساز . به اوج محبت پرواز ده و با طیور حدیقه الطاف همراز و دمساز نما . قوتی دیگر بخش و حالتی خوشتر عطا فرما . چشم از خطا بپوش و عزت و برکت در این جهان و آن جهان عطا فرما . راحت و آسایش ده و به نصایح و وصایای خویش آرایش بخش و از آزمایش برهان . بخشش جهانگیر است و الطاف مُجیر و دستگیر هر مُسْتَجیر . عدم را موهبت جود بخشیدی و سرگشتگان را به ظلّ ممدود رساندی و تشنگان را به ماءِ مورود وارد نمودی . کرم عمیم است و فضل و جودت عظیم . عنایت آفتاب است و مشقّات و مشکلات خلق ، ظلمات . پرتوی بینداز و جمیع یاران و اماء رحمن را راحت ساز . توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دارنده و رهاننده و بیننده و مهربان .

ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء - چاپ آلمان - ص ۳۴۲ و ۳۴۳

۴- کلمات مبارکه مکنونه

یا ابن الانسان

أَنْفَقَ مَالِي عَلَى فُقْرَائِي لِيَتَفَقَّ فِي السَّمَاءِ مِنْ كُنُوزِ عِزٍّ لَا تَفْنَى وَ خَزَائِنِ مَجْدٍ لَا تَبْلَى وَلَكِنْ وَعَمْرِي أَنْفَاقُ
الرُّوحِ أَجْمَلُ لَوْ تَشَاهَدْتُ بِعَيْنِي.

یا ابن الوجود

لَا تَشْتَغِلُ بِالدُّنْيَا لِأَنَّ النَّارَ نَمْتَحِنُ الدَّهَبَ وَ بِالذَّهَبِ نَمْتَحِنُ الْعِبَادَ.

ای پسران تراب

اغنيا را از ناله سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت به هلاکت اُفتند و از سدره دولت بی نصیب مانند.

الْكَرَمُ وَ الْجُودُ مِنْ خِصَالِي فَهَيِّئَا لِمَنْ تَزَيْنَ بِخِصَالِي.

مضمون بیانات عربی

یا ابن الانسان ... : ای پسر انسان , مال مرا بر فقرای من انفاق کن تا در آسمان از گنجهای عزتی که فانی نمی شود و
خزینه های مجدی که از بین نمی رود به تو انفاق شود و لکن قسم به جانم انفاق روح زیباتر است اگر به چشم من
مشاهده نمایی .

یا ابن الوجود ... : ای پسر وجود , به دنیا مشغول مشو همانا با آتش , طلا را امتحان می کنیم و با طلا بندگان را مورد
امتحان قرار می دهیم .

الْكَرَمُ وَ الْجُودُ مِنْ خِصَالِي ... : بخشش و عطا از صفات من است خوشا به حال آن کس که خود را به صفات من بیارید

۵- مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الاحلی:

"اعانه خیریه را بسیار مهم شمرند و به نهایت اهمّیت در این مبرور بکوشند. این اعانه خیریه از لوازم امور است." ۱

و نیز می فرمایند، قوله المتین:

"چون تأیید رسد ولو انسان هر دم گنجی بخشد، ثروت افزون گردد و غنا مانند رود جیحون شود و اگر مدد منقطع شود، دریا بخشکد و فرات و سیحون سراب دشت و هامون شود." ۲

۱- امر و خلق - ج ۴ - ص ۲۴۱ ۲- نقل از نطق جناب نخجوانی در لوس آنجلس ۱۹۹۵

مبرور: مقبول، خوب و نیکو

۶- منتخباتی از توقیعات حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی امرالله می فرمایند، قوله العزیز:

"تبرعات یاران به خزانه محفل در حال حاضر به مثابه خونی است که از قلب به همه اعضاء و ارکان بدن می رود و دارای اهمّیتی بی پایان است... سرمایه ملی، حَجَرِ زاویه ای است که بر آن جمیع مؤسسات امریه بنا و مستقر می گردد و کلیه یاران در تقویّت این صندوق باید بکوشند و در این سبیل هم فعالیت‌های فردی لازم است و هم تبرعات اجتماعی و احباء در هر حال که هستند چه در جمعیتها و چه در جوامع کثیره، از این فیض خود را محروم نمایند." ۱

و نیز می فرمایند، قوله العزیز: "اگر محفل روحانی میل دارد که فعالیت‌های متنوع و دائم التزاید را به نحو صحیح اداره نماید، باید جریان مداوم تبرعات به سوی صندوق ملی وجود داشته باشد. هر یک از احباء، هر قدر فقیر، باید متوجه مسئولیت خطیری باشد که در این رابطه دارد و بایستی مطمئن باشد که ترقّی روحانی وی به عنوان یک فرد مؤمن در نظم جهانی حضرت بهاءالله به میزان عظیمی بستگی به معیاری دارد که با آن عملاً آمادگی خود را برای حمایت مادی از مؤسسات سماوی امر مبارک اثبات می نماید." ۲

۱- گوهر یکتا - ص ۴۷۶ - ۲-داستاهائی درباره تبرعات - تنظیم و تألیف از گلوریا فیضی - ص ۳۷

۷- "تبرّع به صندوق های امری از عناصر و اجزاء لاینفک حیات روحانی هر فرد بهائی است".

بیت العدل اعظم الهی در پیام مورّخ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱ خطاب به پیروان جمال قدم در سراسر عالم می فرمایند:

... "لازم است که یاران الهی در سراسر جهان به این اصل اساسی امر الهی واقف شوند که تبرّع به صندوقهای امری از عناصر و اجزاء لاینفک حیات روحانی هر فرد بهائی است و تقدیم تبرّعات را باید به منزله اجرای یکی از واجبات و تکالیف زندگانی روحانی محسوب داشت. در بسیاری از ممالک، ملاحظه می شود که مبلغین امرالله در هنگام شرح و بیان تعالیم الهیه مایل نیستند از لزوم تقویّت صندوقهای امری به عنوان جزئی طبیعی و عادی در زندگی افراد بهائی سخنی به میان آورند. حضرت بهاءالله جلّ اسمّه الاعلی در کتاب مستطاب اقدس اهمّیت ضرورت تلفیق وسائط مادی و معنوی را در تحقّق اهداف امر الهی، مکرّر بیان فرموده اند. حضرت ولی امرالهگ نیز منابع مادی را به مثابه خونی که باید در عروق و شریان امر الهی جاری باشد توصیف نموده اند. اینک از یاران حضرت رحمن رجا و دعوت می شود که درباره اهمّیت تقویّت مالی امر الهی و تأثیری که خدمات امری در احوال و شرائط جامعه بشری دارد به تأمل و تفکر عمیق پردازند. در اعتاب مقدسه علیا صمیمانه دعا می کنیم که جمال قدم یاران مخلص باوفایش را در هر مرز و بوم ملهم سازد تا کل متحداً متفقاً به خدمت امر مبارکش قیام نمایند و با نزول الطاف و عنایات سماویه فداکاری آن عزیزان را پاداش عطا فرماید.

با تحیات ابدع ابهی

بیت العدل اعظم

۸- قسمتی از تألیفات جناب ادیب طاهر زاده درباره عوامل تکامل روحانی

حضرت بهاء الله در یکی از الواح مقدسه بیان می فرمایند که سه موقف بین انسان و خدایش حائل می شود و یاران خویش را نصیحت می کنند که این مواقف و موانع را پشت سر گذارند تا بتوانند به لقای الهی فائز گردند. مانع اول تمسک به دنیا و زخارف آن است. مانع ثانی وابستگی به مکافات آخروی و ثالث، تعلق به نام و نشان ظاهری. وقتی یک فرد مؤمن اجازه می دهد که منافع مادی عقلانی و شخصی او بر مصالح امرالله پیشی گیرد، فی الحقیقه می توان گفت که به اشیاء این دنیای فانی تعلق یافته است. مقصد این نیست که انسان از مصالح شخصی خود بالمره چشم پوشد، بلکه غرض این است که آنها را در سبیل پیشرفت مقاصد روحانی خود صرف کند و اجازه ندهد که متاع دنیوی بین او و خدایش حائل شود... انقطاع واقعی از اشیاء دنیوی هنگامی حاصل می شود که انسان، امر مبارک را به عنوان محور زندگی خود قرار دهد به طوری که تمام خواسته های شخصی و مادی وی بر محور امرالله دور زند. در چنین حالی انسان می تواند از اشیاء مادی که گرد آورده است، استفاده کند بدون این که به آنها دلبستگی پیدا نماید و چون امر الهی به عنوان محور اساسی و محرک اصلی در حیات او است هرگز عملی برخلاف تعالیم الهی از وی سر نخواهد زد و هر قدمی که در زندگی روزانه بر می دارد با اوامر الهی منطبق خواهد بود. انسان وقتی به این مقام بلند اعلی می رسد، مصالح امری بر خواسته های شخصی وی تقدم پیدا می کند و هنگامی که بر خدمت امر قیام کند آماده مواجهه با مشکلات به هر اندازه هم که خطیر باشد خواهد بود. این چنین شخصی می توان گفت که به کمال انقطاع رسیده است. انقطاع از حطام دنیوی معمولاً امری دشوار و مستلزم فداکاری و از خود گذشتگی است ولیکن وقتی شخص مؤمن از چیزی که برایش عزیز و گرانبها است به خاطر امر الهی می گذرد، قوای اسرار آمیزی آزاد می شود که سبب رشد و پیشرفت امرالله می گردد.

مطالعه معارف بهائی - شماره ۱۱ - روح انسانی - صص ۳۶ - ۲۷

معانی لغات:

حائل: مانع
مواقف: محل های ایستادن، محل های قرار و سکون
زخارف: مال و ثروت دنیا
بالمهره: بکلی
متاع: کالا، وسائل
حطام: مال دنیا

۹- حکایت ناخوشایند

در ایام ولایت حضرت شوقی افندی، جمعی از احباء به زیارت ارض اقدس رفتند. آنها آن قدر تحت تأثیر جلال مقامات و حدائق حول آنها قرار گرفتند که از حضرت ولی امرالله درخواست کردند در حین اقامت در ارض اقدس خدمتی استثنائی برای امر مبارک انجام دهند. حضرت ولی امرالله فرمودند که آنها باید مراجعت نموده و در ممالک خود به امر مبارک خدمتی نمایند. با این حال آنها اصرار ورزیدند که منشاء خدمتی در ارض اقدس شوند و از حضرت ولی امرالله استدعا نمودند اجازه فرمایند که لِأَجْلِ اتِّسَاعِ حدائق حول مراقد متبرکه مشارکت مالی داشته باشند. بالاخره حضرت ولی امرالله موافقت فرموده، به قطعه زمینی روی کوه کرمل اشاره کردند که باید بلافاصله خریداری می شد. حضرتشان بهای زمین را به آنها گفتند و آنها نیز با شور و شوق اطمینان دادند که تمامی وجه لازم را می توانند تأمین نمایند و گفتند به محض وصول به وطن، وجه مزبور را ارسال خواهند داشت. حضرت ولی امرالله منتظر ماندند؛ ولی وجه مزبور هرگز واصل نشد. وقتی که بالاخره تصمیم گرفتند شخصاً برای اِبتیاع زمین مزبور اقدام فرمایند، بهای زمین چند برابر افزایش یافته بود.

داستاهائی درباره تبرعات - ص ۲۳

حدائق: باغ ها لاجل: برای، به خاطر اتساع: وسعت پیدا کردن اِبتیاع: خریداری

۱۰- من هم می توانم در ساختمان مقام اعلی سهیم باشم

منصور و دوستش رشید ، دوازده ساله بودند . آنها درباره ی ساختمان در دست بنای مقام اعلی مطالبی شنیده بودند و می دانستند که بزرگترها در حال جمع آوری تبرُّع برای این منظور هستند . دو نوجوان ، از این طرح به هیجان آمده ، تصمیم گرفتند آنها نیز به صندوق کمک کنند ولی کسب درآمد بسیار مشکل بود و آنها می بایست راهی قانونی و درست برای آن بیابند . هر یک از آنها توانستند پولی هر چند اندک تهیه کنند و گاهی در صندوق بریزند . سالها بعد که بزرگ شده بودند هر یک از آنها شهامت آن را یافته بودند که برای دیگری نحوه ی تهیه پول را بیان کنند . منصور تعریف کرد که چون آنها در خانه حمام آب گرم نداشتند ، پدرش هفته ای یک بار به او پول می داد که به حمام عمومی بیرون از خانه برود . منصور یک هفته را به هر ترتیب بود در خانه حمام می کرد و هفته بعد را به حمام بیرون می رفت و به این ترتیب پول حمام یک هفته در میان را پس انداز کرده ، به صندوق می ریخت . رشید از محل کشمش پس انداز می کرد . در آن زمان در ایران تهیه ی قند بسیار مشکل بود . لذا جای را با کشمش می خوردند . رشید هر دفعه برای صرفِ چای یک مُشت کشمش دریافت می کرد ، چند دانه می خورد و بقیه را در یک قوطی می ریخت و نگه می داشت . وقتی که قوطی پُر می شد ، آن را به پدرش می فروخت و پولش را به صندوق می ریخت . پدرش که می دانست او پول را برای چه می خواهد ، کشمش ها را گران تر می خرید .

داستانهایی درباره تبرعات - ص ۲۸

گوینده ای ظریف و بشر دوست

پیش از این

دریافته است : کز چه بشر را

دو دست هست

"دستی برای آنکه برآرد نیاز خویش

دستی برای آنکه بگیرد ز دست خلق"

این گونه مهر ورزی و پندار نیک و عشق

جز در میان مردم ما تا به این زمان

هرگز به هیچ شهر و دیاری نبوده است

اندیشه محبت و خدمت به دیگران

نقش و نگار بافته با تار و پود ما است

آئین خیر خواهی و یاری و مردمی

با خون ما سرشته ، روان در وجود ما است

پروردگان مکتب مهر و محبتیم

ما راهیان عشق و " هوا خواه خدمتیم "

بانگ بلند شعر " بنی آدم اعضای یک پیکرند "

آوای مهر سعدی است

و ز این دیار ، بال به عالم گشوده است

این راه و رسم مردم این ملک بوده است

هر روز بامداد که همراه آفتاب

نور و نشاط و شور و سرور و نوید هست

آندم که دستهای تو در کار زندگی

سرشار از تلاش و توان و امید هست

با خویشتن بگوی : دستی برای آنکه بر آرم نیاز خویش

- دستی برای آنکه بگیرم ز خلق ، دست

پیام بهائی - ش ۲۵۵ - ص ۱۳